

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

فلسفه است

(جلد نخست)

مداخلی از دانشنامه فلسفه استنفورد

ترجمه زیر نظر:

امید شفیعی قهفرخی

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

همکاران ترجمه:

محمد حسین زندوکیلی - موسی الرضا سعیدی

محسن نساج ابراهیم کیمیایی دوین



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: مداخلی از دانشنامه فلسفه استنفورد (جلد اول: فلسفه و سیاست)

ترجمه زیر نظر: امید شفیعی قهفرخی

مترجمان: محمد حسین زندوکیلی - موسی الرضا سعیدی - محسن نساج، ابراهیم کیمیایی دوین

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

صفحه آرا: رضا عبداللهی بجندی

طراح جلد: اعظم حسین زاده

ناظر نسخه پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۴۰۵ / قیمت: ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک جلد اول: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۱۱۱-۱

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۱۱۲-۸

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخرزای و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۲ و ۳

تلفن: ۰۶۶۹۵۴۶۰۳. تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱

فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، بل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

فروشگاه اینترنتی: <https://isupub.ir> • [E-mail: pub@isu.ac.ir](mailto:pub@isu.ac.ir)

عنوان و نام پدیدآور: مداخلی از دانشنامه فلسفه استنفورد
(جلد اول: فلسفه و سیاست)

ترجمه زیر نظر: امید شفیعی قهفرخی؛ مترجمان: محمد حسین زندوکیلی - موسی الرضا سعیدی - محسن نساج، ابراهیم کیمیایی دوین.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۰۵.

مشخصات ظاهری: ۱۳۰ص. شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۱۱۱-۱

موضوع: علوم سیاسی -- فلسفه / موضوع: بهزیستی

موضوع: آزادی / موضوع: جمهوری خواهی

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

رده بندی کنگره: JA ۷۱ رده بندی دیویی: ۳۲/۰۱

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۵۰۵۰۲۳

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی،

انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی باشد.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست اجمالی

۱۱.....	سخن ناشر.....
۱۳.....	پیشگفتار.....
۱۷.....	نیک‌زیستی.....
۴۵.....	آزادی سلبی و ایجابی.....
۸۹.....	جمهوری خواهی.....

فهرست تفصیلی

سخن ناشر	۱۱
پیشگفتار	۱۳
نیک‌زیستی	۱۷
۱. مفهوم نیک‌زیستی	۱۸
۲. چالش مور	۲۲
۳. چالش اسکنلن	۲۴
۴. نظریات نیک‌زیستی	۲۷
۱-۴. لذت‌انگاری	۲۷
۲-۴. نظریه‌های میل	۳۲
۳-۴. نظریه‌های فهرست‌عینی	۳۶
۵. نیک‌زیستی و اخلاق	۳۸
۱-۵. رفاه‌گرایی	۳۸
۲-۵. نیک‌زیستی و فضیلت	۴۰
مداخل مرتبط	۴۲
کتابنامه	۴۲
آزادی سلبی و ایجابی	۴۵
۱. دو مفهوم آزادی	۴۷
۲. ناسازه آزادی مثبت	۵۱

۳	دو تلاش برای ایجاد راه سوم.....	۵۵
۳-۱	آزادی ایجابی چونان درون مایه خنثی.....	۵۵
۳-۲	آزادی جمهوری خواهانه.....	۶۰
۴	برداشت یگانه از آزادی: آزادی چونان رابطه ای سه وجهی.....	۶۶
۵	تحلیل محدودیت ها: انواع و منابع آنها.....	۷۰
۶	مفهوم آزادی کلی.....	۷۶
۷	آیا این تمایز همچنان مفید است؟.....	۷۸
۸۰	مداخل مرتبط.....	۸۰
۸۱	کتابنامه.....	۸۱
۸۹	جمهوری خواهی	۸۹
۱	آزادی سیاسی به معنای عدم سلطه.....	۹۱
۱-۱	آزادی سیاسی، ایجابی و منفی.....	۹۱
۲-۱	آزادی چونان عدم سلطه.....	۹۴
۳-۱	آزادی جمهوری خواهانه در مقابل آزادی منفی.....	۹۷
۲	آزادی جمهوری خواهانه: مسائل و مباحث.....	۹۹
۲-۱	عدم مداخله یعنی چه؟.....	۱۰۰
۲-۲	چه قدرتی «خودسرانه» محسوب می شود؟.....	۱۰۲
۳-۲	آزادی جمهوری خواهانه و خیر بشری.....	۱۰۴
۳	سنت جمهوری خواهی کلاسیک.....	۱۰۶
۳-۱	چرخش ابزاری.....	۱۰۷
۳-۲	جمهوری خواهی و لیبرالیسم.....	۱۰۹
۴	برنامه جمهوری خواهی معاصر.....	۱۱۱
۴-۱	سیاست عمومی جمهوری خواهانه.....	۱۱۳

۱۱۶.....	۲-۴. نهادهای سیاسی جمهوری خواهانه
۱۱۸.....	۳-۴. فضیلت مدنی و فساد
۱۲۱.....	۴-۴. جمهوری خواهی در فراسوی مرزها
۱۲۴.....	۵. نتیجه
۱۲۴.....	مداخل مرتبط
۱۲۴.....	کتابنامه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ.
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل/ آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به‌عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان

عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» درواقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است. دانشگاه امام صادق (علیه السلام) درواقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

وَلِلَّهِ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه

پیشگفتار

پرسش از ارزش‌ها، غایات و مفاهیم بنیادین، همواره بخشی لاینفک از مطالعات فلسفی و نظری در حوزه سیاست و اخلاق بوده است. در جهانی که تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی بیش از پیش نیازمند پشتوانه‌های نظری و مفهومی دقیق‌اند، مراجعه به منابع تحلیلی معتبر و گفت‌وگو با ادبیات کلاسیک و معاصر فلسفه، ضرورتی انکارناپذیر برای پژوهشگران علوم انسانی به‌شمار می‌آید.

کتابی که پیش رو دارید، نخستین جلد از مجموعه‌ای است که با هدف ترجمه و تحلیل مداخل منتخب از دانشنامه فلسفه استنفورد در حوزه فلسفه اخلاق، نظریه سیاسی و مفاهیم کلیدی علوم انسانی تألیف شده است. این دانشنامه که یکی از منابع معتبر و روزآمد پژوهش فلسفی در جهان معاصر است، به سبب ساختار تحلیلی، ارجاع‌های دقیق و نگارش توسط پژوهشگران برجسته، جایگاه ممتاز و تثبیت شده‌ای در میان دانشگاهیان دارد. هدف این مجموعه آن است که با انتخاب و ترجمه برخی از مهم‌ترین مداخل مرتبط با نظریه سیاسی و فلسفه سیاست، زمینه‌ای برای آموزش و پژوهش نظری در فضای دانشگاهی فارسی‌زبان فراهم آورد.

مداخل سه‌گانه‌ای که در این جلد آمده‌اند، عبارت‌اند از:

- نیک‌زیستی (Well-Being) نوشته راجر کریسپ به بررسی چیستی

«زندگی خوب برای فرد» می‌پردازد. این مدخل با دسته‌بندی نظریه‌های نیک‌زیستی به سه سنت اصلی — نظریه‌های لذت‌گرایانه، نظریه‌های میل‌محور و نظریه‌های فهرست‌عینی — هم‌زمان رویکردهای کلاسیک و تحولات معاصر در فلسفه اخلاق و سیاست‌گذاری عمومی را پوشش می‌دهد. این نوشتار برای دانشجویانی که به تحلیل مفهومی غایات اخلاقی و اجتماعی، از جمله عدالت توزیعی، سیاست رفاه یا اخلاق فضیلت علاقه‌مندند، مدخلی اساسی و راه‌گشا خواهد بود.

- آزادی مثبت و منفی (Positive and Negative Liberty) اثر یان کارتر به یکی از جدی‌ترین تمایزها در نظریه آزادی می‌پردازد. تمایز برلینی میان آزادی سلبی (آزادی از مداخله) و آزادی ایجابی (آزادی به عنوان خودمختاری) از مهم‌ترین خاستگاه‌های نزاع‌های مفهومی در نظریه‌های دولت، حق، اختیار و قدرت است. نویسنده با دقتی تحلیلی، ضمن شرح این دو تلقی، پیامدهای مفهومی و عملی آن‌ها را در نظریه‌های لیبرالیسم، جمهوری خواهی و کمال‌گرایی مورد بررسی قرار می‌دهد.
- جمهوری خواهی (Republicanism) نوشته فرانک لوت، بازخوانی معاصر یکی از سنت‌های مهم در تاریخ اندیشه سیاسی غرب است. جمهوری خواهی مدرن، با تأکید بر مفهوم «آزادی به مثابه عدم سلطه»، در تقابل با تلقی‌های لیبرال از آزادی، روایتی بدیل از رابطه فرد و قدرت سیاسی ارائه می‌دهد. این مدخل، علاوه بر بازشناسی تحولات تاریخی جمهوری خواهی، به مباحث نهادی، مدنی و انتقادی جمهوری خواهی در دوران معاصر نیز می‌پردازد و به‌ویژه برای علاقه‌مندان به نظریه‌های دموکراسی، حاکمیت قانون و مشروعیت نهادهای سیاسی، منبعی معتبر و آموزنده است.

انتخاب این مداخل، حاصل نیازسنجی آموزشی در کلاس‌های دانشگاهی

بوده است؛ ترجمه‌های اولیه در چهارچوبِ فعالیت‌های کلاسی، با مشارکت دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری در رشته علوم سیاسی انجام گرفت و سپس با بازبینی‌های زبانی به صورت متن حاضر درآمد. از منظر آموزشی، این شیوه اجرا، افزون بر هدف تولید محتوا، بر آن بود تا دانشجویان را با فرایند ترجمه تخصصی متون فلسفی، حساسیت‌های زبانی و روش تحلیل مفهومی آشنا کند.

برنامه آن است که در جلد‌های بعدی، مداخل بیشتری در حوزه‌های مرتبط با خوشبختی، اخلاق، عدالت، قدرت، مشروعیت، فضیلت، حقوق، عقلانیت، دموکراسی و دیگر مفاهیم بنیادین علوم انسانی ترجمه و عرضه شود. امید است این مجموعه، با تکیه بر استانداردهای علمی در ترجمه و انتخاب محتوا، بتواند گامی مؤثر در تقویت زیربنای نظری مطالعات سیاسی، اجتماعی و اخلاقی در زبان فارسی باشد و به سهم خود، پلی باشد میان سنت پژوهش تحلیلی معاصر و فضای آموزش و پژوهش دانشگاهی ما.

والحمد لله رب العالمین
امید شفیع قهرخی

نیک‌زیستی

منتشرشده در ۶ نوامبر ۲۰۰۱؛ بازبینی کلی در ۶ سپتامبر ۲۰۱۷

نویسنده: راجر کریسپ^۱

مترجم: ابراهیم کیمیایی دوین

نیک‌زیستی [بهروزی/ بهزیستی]^۲ در فلسفه معمولاً برای توصیف آنچه استعمال می‌شود که در نهایت یا به نحو غیر ابزاری برای یک شخص خیر است. سؤال از اینکه نیک‌زیستی شامل چیست، و رای نفع‌جداگانه‌ای که دارد، دارای اهمیت بسیاری در فلسفه اخلاق است، به ویژه در بحث فایده‌گرایی که بر اساس آن تنها الزام اخلاقی آن است که نیک‌زیستی به حداکثر برسد. این پنداشت با چالش‌های قابل توجهی، به طور مشخص از جانب جی.ای. مور^۳ و تی.ام. اسکنلن^۴ مواجه شده است. تقسیم‌بندی نظریات نیک‌زیستی به نظریات لذت‌انگار، نظریات امیال و نظریات فهرست‌عینی به یک استاندارد تبدیل شده است. از منظر دیدگاهی که به عنوان رفاه‌گرایی شناخته می‌شود، نیک‌زیستی تنها ارزش است. همچنین این سؤال

1. Crisp, Roger, "Well-Being", The Stanford Encyclopedia of Philosophy (Fall 2025 Edition), Edward N. Zalta & Uri Nodelman (eds.); <https://plato.stanford.edu/entries/well-being/>

2. wellbeing

3. G.E. Moore

4. T.M. Scanlon

که شخصیت و کنش‌های اخلاقی افراد چگونه به نیک‌زیستی آن‌ها مربوط می‌شود، سؤال مهمی در فلسفه اخلاق است.

۱. مفهوم نیک‌زیستی

استعمال معمول اصطلاح «نیک‌زیستی [سلامت/ بهزیستی]» معمولاً به سلامت مربوط می‌شود. برای مثال، یک پزشک جراح ممکن است یک «کلینیک سلامت زنان» را اداره کند. استعمال فلسفی گسترده‌تر اما مرتبط است و به این معناست که زندگی یک شخص چقدر برایش خوب می‌گذرد. نیک‌زیستی شخص همان چیزی است که «برای او خوب (خیر)» است. لذا ممکن است سلامت یکی از مؤلفه‌های نیک‌زیستی من شمرده شود، اما نمی‌توان آن را به نحو موجهی همه آن چیزی محسوب کرد که برای نیک‌زیستی من اهمیت دارد. یک اصطلاح همبسته که در اینجا شایان ذکر است «نفع شخصی» است: نفع شخصی من آن چیزی است که به نفع خود من و نه دیگران، است.

استعمال فلسفی این اصطلاح جنبه‌های «منفی» گذران زندگی شخص را نیز دربرمی‌گیرد. بنابراین ممکن است ما از نیک‌زیستی کسانی صحبت کنیم که در وحشتناک‌ترین عذاب به سر می‌برند و در آن خواهند ماند: نیک‌زیستی آن‌ها منفی است، به گونه‌ای که نابودی برای آن‌ها شیرین‌تر از این زندگی است. این امر در مورد اصطلاحات نزدیک دیگر نیز صدق می‌کند، مانند «رفاه»، که شامل چگونگی گذران زندگی به مثابه یک کل است، یا «شادکامی (خوشبختی)»^۱ که می‌تواند به عنوان تعادل بین چیزهای خوب و بد در زندگی شخص فهم شود، همان‌طور که مثلاً گاهی فایده‌گرایان کلاسیک از جرمی بنتم^۲ به بعد چنین کردند. اما در نظر داشته باشید که فیلسوفان با استعمال

1. happiness
2. Jeremy Bentham

این اصطلاحات بیشتر بر جنبه «مثبت» آن‌ها تأکید دارند و برای بازتاب جنبه‌های سلبي زندگي افراد از «سيه‌روزي»،^۱ «بدبختي»،^۲ يا البته «ناکامي»^۳ سخن می‌رانند.

«شادکامی» در بیشتر اوقات در زندگي عادي براي اشاره به وضعيت کوتاهی از زندگي یک شخص مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بیشتر براي احساس خرسندی: «امروز شاد به نظر می‌رسی»؛ «برایت خیلی خوشحالم». از منظر فلسفي، دامنه آن بیشتر اوقات گسترده‌تر است و کل زندگي را دربرمی‌گیرد. در فلسفه می‌توان از خوشبختي شخص یا زندگي شاد او سخن به میان آورد، حتی اگر این شخص در واقع بسیار تیره‌بخت باشد. نکته اینجاست که ممکن است با وجود اینکه او از زندگي خود خرسند نیست، برخی چیزهاي خوب باعث شده باشد که زندگي اش یک زندگي خوش و سعادت‌بار باشد. اما این استعمال نادر است و ممکن است باعث سردرگمی شود.

در طی چند دهه گذشته، اصطلاح «روان‌شناسي مثبت» توجه روان‌شناسان و دیگر دانشمندان را به مفهوم «شادکامی» جلب کرده است. این شادکامی معمولاً با خرسندی یا «رضایت از زندگي»^۴ فهم شده و از راه‌هایی مانند خوداظهاری یا پرسش‌نامه روزانه سنجیده می‌شود. آیا روان‌شناسي مثبت در مورد نیک‌زیستی است؟ با وجود این، تمایزهاي مفهومي در این رشته به قدر کافی واضح نیستند. اما احتمالاً رواست که بگوییم بسیاری از افراد درگیر در این امر، چه به عنوان پژوهشگر و چه به عنوان سوژه، فرض می‌کنند که زندگي فرد تا جایی خوب پیش می‌رود که فرد از آن خرسند باشد؛ یعنی نوعی برداشت لذت‌انگازانه از نیک‌زیستی صحیح است.

1. ill-being
2. ill-faring
3. unhappiness
4. life-satisfaction

با این حال، برخی روان‌شناسان مثبت‌گرا، آشکارا نظریه‌های لذت‌انگاران را با ترجیح برداشت‌های ارسطویی یا «اودایمونستی» (سعادت‌انگاران)^۱ از نیک‌زیستی — که نسخه‌ای از نظریه «فهرست عینی» است و جلوتر بحث خواهد شد — رد می‌کنند. برای مثال، مارتین سلیگمن^۲ که از سردمداران این نوع نگاه است، اخیراً اظهار داشته است که روان‌شناسی مثبت باید به جای شادکامی، توجه خود را معطوف به هیجان مثبت،^۳ مشغولیت،^۴ روابط،^۵ معنا^۶ و دستاورد^۷ (PERMA) کند (Seligman, 2011).

در هنگام بحث از پنداشت ما از آن چیزی که زندگی را برای فرد خوب می‌کند، ترجیح بر آن است که به جای «شادکامی» از اصطلاح «نیک‌زیستی» استفاده شود. زیرا ما می‌خواهیم دستکم یک فضای مفهومی برای این امکان فراهم کنیم که مثلاً زندگی یک گیاه ممکن است «برای» خود آن گیاه «خوب» باشد، اما صحبت کردن از شادکامی یک گیاه، توسیع بیش از اندازه زبان است (واژه «شکوفایی» می‌تواند در اینجا یک جایگزین باشد، اگرچه این امر می‌تواند تحلیلی از نیک‌زیستی انسان محسوب شود که مبتنی بر یک نوع غایت‌انگاری طبیعی است). از این منظر، کلمه یونانی eudaimonia که معمولاً «happiness» ترجمه می‌شود ممکن است مناسب‌تر به نظر آید. اما در واقع، به نظر می‌رسد استعمال eudaimonia نه تنها به موجودات آگاه، بلکه فقط به نوع انسان محدود شده است: حیوانات ناهنسان نمی‌توانند eudaimon باشند. این بدان روی است که بر اساس eudaimonia خدایان، یا بخت، یکی را مورد لطف خود قرار داده‌اند و این انگاره که خدایان می‌توانند مراقب ناهنسان‌ها

1. eudaimonist
 2. Martin Seligman
 3. positive emotion
 4. engagement
 5. relationships
 6. meaning
 7. accomplishment

باشند، در میانِ بیشترِ یونانیان به چشم نمی‌خورد. گه‌گاه ادعا می‌شود که برخی نظریه‌های اخلاقی باستان، مانند نظریه ارسطو، منجر به فروپاشی این برداشت از نیک‌زیستی می‌شوند. به پیش چشم ارسطو، اگر شما دوست من باشید، نیک‌زیستی من به شدت به نیک‌زیستی شما گره خورده است. بنابراین وسوسه‌انگیز است که بگوییم نیک‌زیستی «شما» «بخشی» از نیک‌زیستی من است؛ در این صورت، مرز بین آنچه برای من خوب است و آنچه برای دیگران خوب است فرومی‌پاشد. اما باید در برابر این وسوسه مقاومت کرد. نیک‌زیستی شما به این توجه دارد که زندگی شما چقدر برایتان خوب به پیش می‌رود و ما می‌توانیم فرض کنیم که نیک‌زیستی من به شما وابسته باشد، بدون این تصور گنج‌کننده که نیک‌زیستی من با نیک‌زیستی شما ایجاد می‌شود. در اندیشه ارسطویی نشانه‌هایی از گسترش دایره سوژه‌ها یا دارندگان نیک‌زیستی وجود دارد. دوست یک «خویش‌ترین دیگر» است، لذا آنچه به دوست من سود می‌رساند، به من نیز سود می‌رساند. اما این باید یا به عنوان یک استعاره از ادعای وابستگی گرفته شود، یا به عنوان یک ادعای این‌همانی که مفهوم نیک‌زیستی را تهدید نمی‌کند: اگر واقعاً شما همان شخصی هستید که من هستم، قطعاً هر آنچه برای شما خوب است برای من نیز خوب خواهد بود، زیرا دیگر هیچ تمایز متمایزیکی قابل توجهی بین شما و من وجود ندارد.

نیک‌زیستی نوعی ارزش است که گاهی «ارزش دوران‌دیشانه»^۱ نامیده می‌شود تا، به عنوان مثال، از ارزش زیباشناسانه یا ارزش اخلاقی متمایز باشد. آنچه نشانه این اصطلاح است، همانا پنداشت «خوب برای» است. برای نمونه، آرامش نقاشی^۲ و رمر^۲ نوعی خوبی است، اما «برای» نقاشی خوب نیست.

1. prudential value
2. Vermeer

شاید برای ما خوب باشد که به چنین آرامشی بیندیشم، اما تأمل در باب آرامش، معادلِ خود آرامش نیست. به همین منوال، پولی که من برای خیریه می‌دهم ممکن است دارای ارزش اخلاقی باشد، یعنی از نظر اخلاقی خوب باشد و ممکن است اثرات این وقف من برای دیگران خوب باشد. اما این سؤال همچنان پابرجا می‌ماند که آیا خوب بودن من از نظر اخلاقی، برای من خوب است یا نه؛ و اگر چنین باشد، خوب بودن آن امر برای من هنوز هم مفهوم متمایزی از خوب بودنش از جهت اخلاقی دارد.

۲. چالشِ مورا^۱

چیز مرموزی در مفهوم «خوب برای» وجود دارد. جهان ممکنه را در نظر بگیرید که فقط شامل یک چیز است: یک نقاشی خیره‌کننده از ورمر – هرگونه شک و تردید در مورد اینکه آیا نقاشی‌ها می‌توانند در جهانی بدون تماشاگر خوب باشند را کنار بگذارید و اجازه دهید فرض کنیم که در آن جهان این نقاشی ارزش زیباشناسانه دارد. به نظر می‌رسد این ادعا که ارزش این جهان منحصرأ بر ساخته از ارزش زیباشناسانه این نقاشی است، به نحو شهودی قابل قبول باشد. اما اکنون جهانی را در نظر بگیرید که شامل فردی باشد که زندگی برای او خوب است. رابطه ارزش این جهان و ارزش زندگی‌ای که این فرد در آن می‌زید را چگونه می‌توان توضیح داد؟ آیا می‌خواهیم بگوییم که این جهان کلاً فقط یک ارزش دارد؟ چگونه می‌تواند چنین باشد، اگر تنها ارزش موجود در این جهان شامل «خوب برای» به مثابه متضاد «خوب» صرف باشد؟ با این حال، مطمئناً می‌خواهیم بگوییم که این جهان بهتر («بیشتر خوب») از یک جهان خالی است. خوب، آیا باید بگوییم این جهان خوب است و این خوبی به دلیل خوبی‌ای است که «برای» آن فرد دارد؟ این کار نمی‌تواند به این

1. G.E. Moore

انگاره دست بیازد که در واقع به جز آنچه برای آن فرد خوب است، در این جهان هیچ ارزشی وجود ندارد.

افکاری مانند این منجر به آن شد که جی.ای. مور به انگاره «خوب (/خیر) برای» ایراد بگیرد (Moore, 1903: 98-9). مور استدلال کرد که انگاره «خیر من»، که به نظر او معادل است با آنچه «برای من خیر (/خوب) است»، بی‌معنی است. او ادعا کرد وقتی مثلاً از لذت به عنوان آنچه برای من خوب است سخن می‌گویم، منظورم فقط می‌تواند یکی از این دو باشد: لذتی که دریافت می‌کنم خوب است؛ یا اینکه لذت دریافتن من خوب است. با گفتن اینکه لذت برساننده خیر من است یا برای من خیر (/خوب) است، چیزی اضافه نمی‌شود. اما تمایزهایی که من میان مقولات مختلف ارزش در بالا ترسیم کردم، نشان می‌دهد که تحلیل مور از این ادعا که خیر من شامل لذت است، بیش از اندازه نحیف است. در حقیقت، استدلال مور بر همان فرضیه‌ای استوار است که می‌خواهد به اثبات برساند: برای انجام تمام داوریه‌های ارزشی‌ای که ممکن است بخواهیم صورت دهیم، فقط پنداشت از «خیر (خوبی)» ضرورت دارد. این ادعا که اینکه من لذت ببرم خوب است، از نظر منطقی، برابر است با این ادعا که جهان منحصراً حاوی نقاشی ورم‌خوب است. به نظر می‌رسد این ادعا، تو‌گویی، «غیرشخصی» است و خارج از دایره ویژگی خاص ارزش نیک‌زیستی قرار می‌گیرد: آنچه برای افراد خوب است.

یک راه برای پاسخ دادن به چالش مور و نیز معمایی بالا، این است که تلاش کنیم، در صورت لزوم، کار را بدون پنداشت از «خوب (/خیر)» به انجام رسانیم (ر.ک: Kraut, 2011) و به جای آن از «خوب برای» بهره ببریم؛ و به صورت موازی از پنداشت جداگانه و غیر—ارزشی دلایل عمل بهره جوییم. بنابراین می‌توان گفت جهانی که شامل یک فرد تنها با یک زندگی درخور زی است، حاوی هیچ خیر لِنفسه (*per se*) نیست، اما شامل یک زندگی خیر برای آن فرد است.

این واقعیت شاید دلیلی به دست ما دهد که برای ایجاد چنین جهانی فرصت را مغتنم شماریم.

۳. چالش اسکنلن

کتاب مور در اوایل قرن بیستم در کمبریج انگلیس منتشر شد. در اواخر همان قرن، کتابی توسط تی.ام. اسکنلن^۱ در کمبریج ماساچوست منتشر شد که چالش‌های جدی‌ای را برابر پنداشت نیک زیستی قرار می‌داد: آنچه به یکدیگر بدهکاریم (*What Do We Owe to Each Other?*).

هدف نهایی مور در نقد انگاره «خوبی برای»، حمله به خودخواهی بود. اسکنلن نیز به همین منوال، یک انگیزه نهانی برای ایراد به پنداشت نیک زیستی داشت. این انگیزه عبارت بود از حمله به نظریه‌های اخلاقی به اصطلاح «غایت‌انگارانه» یا مبتنی بر فرجام، به‌ویژه فایده‌گرایی، که در شکل استاندارد خود، به حداکثر رساندن نیک زیستی را از ما می‌خواهد. اما در هر دو مورد، نقدها مستقل [از انگیزه] بودند.

یک جنبه عجیب از این موضع اسکنلن که «نیک زیستی» یک پنداشت بی‌مصرف در اخلاق است، آن است که به نظر می‌رسد خود او در مورد چیستی نیک زیستی دیدگاهی دارد. به باور او، نیک زیستی در مقایسه با دیگر مفاهیم، شامل موفقیت در اهداف عقلانی و روابط شخصی است. اما اسکنلن ادعا می‌کند که دیدگاهش یک «نظریه نیک زیستی» نیست، زیرا یک نظریه باید توضیح دهد که چه چیزی این عناصر و مؤلفه‌های مختلف را متشکل می‌کند و چگونه می‌توان آن‌ها را مقایسه کرد. او اضافه می‌کند که دسترسی به چنین نظریه‌ای چندان محتمل به نظر نمی‌رسد، زیرا چنین مؤلفه‌هایی بسیار وابسته به زمینه هستند. با وجود این، اسکنلن به طور ضمنی ادعایی در این باب طرح می‌کند که

1. T.M. Scanlon

چه چیزی این ارزش‌ها را متحد می‌کند: همه این‌ها، در مقابل سایر ارزش‌ها، مانند ارزش‌های زیباشناسانه یا اخلاقی، مقومات و مؤلفه‌های سازنده نیک‌زیستی هستند. همچنین مشخص نیست که چرا نظر اسکنلن درباره نیک‌زیستی نمی‌تواند توسعه یابد و در انتخاب‌های واقعی زندگی بین ارزش‌های مختلف به شخص کمک کند.

اسکنلن می‌گوید که ما در بیشتر اوقات بدون ارجاع به پنداشت نیک‌زیستی مدعی خوبی چیزی در زندگی مان می‌شویم و در واقع، ارجاع به نیک‌زیستی در بیشتر موارد کاری عجیب است. به عنوان مثال، شاید بگویم «من به موسیقی آلیسن کراوس^۱ گوش می‌دهم، چون از آن حظ می‌کنم» و این گفته کفایت می‌کند. در اینجا نیازی نیست که در ادامه بگویم: «و حظ بردن به نیک‌زیستی من می‌افزاید».

اما این ادعای اخیر فقط به این دلیل عجیب به نظر می‌رسد که ما از قبل می‌دانیم که حظ و تمتع زندگی شخص را برای او بهتر می‌کند. اما در برخی شرایط چنین ادعایی عجیب نخواهد بود: مثلاً بحث کردن با یک مرتاض یا با کسی را در نظر بگیرید که ادعا می‌کند تجربه زیباشناختی بی‌ارزش است. علاوه بر این، مردم از پنداشت نیک‌زیستی در تفکر عملی بهره می‌جویند. برای نمونه، اگر من فرصت دستیابی به چیز مهمی را داشته باشم، که مستلزم زحمتی چندساله باشد، این را در نظر می‌گیرم که آیا، از نظرگاه نیک‌زیستی خودم، این پروژه ارزش پیگیری دارد یا نه.

اسکنلن همچنین استدلال می‌کند که پنداشت نیک‌زیستی، اگر بخواهیم از نظر فلسفی قابل قبول باشد، باید یک «حیطه غرامت»^۲ فراهم کند - زمینه‌ای که در آن معقول باشد که مثلاً بگوییم من یک خیر را در زندگی از دست

1. Alison Krauss
2. sphere of compensation

می‌دهم، با چشم داشت کسب خیر در زندگی ام به عنوان یک کل — او مدعی می‌شود که چنین حیطة‌ای وجود ندارد. برای اسکنلن، رها کردن آسایش کنونی برای سلامت آینده، «یک نوع فداکاری به نظر می‌رسد».

اما این با تجربه خود من هماهنگ نیست. وقتی خون اهدا می‌کنم، حس فداکاری دارم. اما وقتی به دندانپزشک مراجعه می‌کنم، برایم چنان است که گویا دردهای حاضر را با دردهای احتمالی آینده قیاس می‌کنم. ما می‌توانیم مؤلفه‌های مختلف نیک‌زیستی را در مقایسه با یکدیگر بسنجیم. حالتی را در نظر بگیرید که در آن شغلی پُردرآمد، اما مایل‌ها دورتر از دوستان و خانواده، به شما پیشنهاد می‌شود.

اسکنلن منکر آن است که ما برای فهم خیرخواهی، نیازمند شرح و روایتی از نیک‌زیستی هستیم، زیرا ما وظیفه عام برای خیرخواهی نداریم، بلکه صرفاً وظایفی داریم که به روش‌های خاص به دیگران سود برسانیم، مانند تسکین درد آن‌ها. اما از چشم‌انداز فلسفی، شاید استعمال عنوان «خیرخواهی» برای تجمیع چنین وظایفی بسیار مفید باشد. و بار دیگر، شاید مقایسه مهم باشد: اگر من نیمچه^۱ وظیفه‌های متعدد در خیرخواهی داشته باشم، که همه آن‌ها قابل انجام نباشند، باید مزایای مختلف هر یک در برابر دیگری را بسنجم و در اینجا، پنداشت نیک‌زیستی دوباره در صحنه نقش‌آفرین می‌شود.

علاوه بر این، اگر اخلاق شامل وظایف به اصطلاح «ناقص» برای سودرسانی به دیگران نیز باشد، یعنی وظایفی که به کارگزار اجازه می‌دهد در مورد زمان و چگونگی یاری‌رسانی صلاح دید خود را داشته باشد، فقدان یک مفهوم فراگیر از نیک‌زیستی، احتمالاً به انجام رساندن چنین وظایفی را بحث‌انگیز می‌کند.

1. pro tanto

۴. نظریات نیک‌زیستی

۴-۱. لذت‌انگاری

از یک منظر، انسان‌ها همیشه در جستجوی آن چیزی هستند که فکر می‌کنند بیشترین توازن لذت در مقابل درد را به آن‌ها می‌دهد. این همان «لذت‌انگاری روان‌شناختی»^۱ است، که در اینجا مد نظر من نیست. در عوض، قصد دارم در مورد «لذت‌انگاری ارزشیابانه»^۲ یا «لذت‌انگاری دوراندیشانه»^۳ بحث کنم، که بر اساس آن، نیک‌زیستی بیشترین توازن لذت در مقابل درد است.

این دیدگاه برای اولین بار و شاید در مشهورترین شکلش، در گفتگوی افلاطونی، پروتاگوراس (Plato, 1976 [C4 BCE], 351b-c)، از جانب سقراط و پروتاگوراس مطرح شد. جرمی بنتم، یکی از مشهورترین لذت‌انگاران معاصر، کتاب «درآمدی بر اصول اخلاق و قانونگذاری»^۴ خود را این‌گونه آغاز می‌کند: «طبیعت بشر را تحت حاکمیت دو ارباب مقتدر قرار داده است: درد و لذت. فقط آن‌ها هستند که مشخص می‌کنند چه کاری را باید انجام دهیم».

پس در پاسخ به این سؤال که «نیک‌زیستی در چیست؟»، لذت‌انگاران چنین پاسخ خواهند داد: «بیشترین توازن لذت در مقابل درد». می‌توانیم این را لذت‌انگاری جوهری^۵ بنامیم. یک موضع لذت‌انگارانه کامل شامل لذت‌انگاری تبیین‌گر^۶ نیز خواهد بود، که پاسخ به سؤال زیر را در بردارد: «چه چیزی لذت را خوب و درد را بد می‌کند؟» و پاسخ این است: «خوشایندی لذت و دردناکی درد». یک لذت‌انگار جوهری را در نظر بگیرید که معتقد است آنچه لذت را خوب می‌کند این است که طبیعت ما را برآورده می‌کند.

1. psychological hedonism
 2. evaluative hedonism
 3. prudential hedonism
 4. Introduction to the Principles of Morals and Legislation
 5. substantive hedonism
 6. explanatory hedonism

این نظریه پرداز یک لذت انگار تبیین گر نیست.

لذت انگاری - آن طور که از ریشه های باستانی آن برمی آید - مدت ها به عنوان دیدگاهی قابل قبول به نظر می رسید. ممکن است این گونه تصور شود که نیک زیستی - آنچه برای من خوب است - به طور طبیعی با آنچه به نظر من خوب است پیوند دارد و لذت برای بیشتر مردم خوب به نظر می رسد. چگونه چیزی می تواند به من سود برساند به جز آنکه من از آن حظ ببرم؟

ساده ترین شکل لذت انگاری از آن بنتم است، که طبق آن هرچه فرد خوشایندی بیشتری در زندگی داشته باشد، بهتر خواهد بود و هرچه با درد بیشتری مواجه شود، زندگی بدتر خواهد بود. چگونه ارزش این دو تجربه را اندازه بگیریم؟ به عقیده بنتم، دو جنبه اصلی این تجربه ها، شدت و مدت زمان آن هاست.

بنتم تمایل داشت که لذت و درد را نوعی احساس تلقی کند، همان گونه که پنداشت شدت می تواند این امر را نشان دهد. یکی از مشکلاتی که اغلب برای این نوع از لذت انگاری مطرح می شود این است که به نظر نمی رسد رشته مشترکی از خوشایندی در تمامی تجربه های مختلفی که مردم از آن حظ و لذت می برند وجود داشته باشد، مانند خوردن همبرگر، خواندن شکسپیر یا بازی واترپولو. در عوض، به نظر می رسد تجربیات خاصی وجود دارد که می خواهیم آن ها را ادامه دهیم و ممکن است آماده باشیم که این تجربیات را - برای اهداف فلسفی - لذت بنامیم (حتی بعضی از آن ها که معمولاً لذت بخش هم قلمداد نمی شود، مانند غواصی در یک غار بسیار عمیق و باریک).

لذت انگاری می تواند از این نقد، صرفاً با گنجاندن هرگونه برداشت از لذت [درون این نظریه]، جان سالم به در ببرد. اما نقد جدی تر به خود حالت ارزش گذارانه لذت انگاری وارد است. به عنوان مثال، تامس کارلایل^۱ مؤلفه

1. Thomas Carlyle

لذت‌انگاران‌ه فایده‌گرایی را تحت عنوان «فلسفه خوکی»^۱ توصیف کرد، بدین سبب که لذت‌انگاری ساده همه لذت‌ها را در یک کفه قرار می‌دهد، خواه آن‌ها پایین‌ترین لذت‌های حیوانی ناشی از روابط جنسی باشند و خواه والاترین دریافت زیباشناختی. می‌توان این نکته را با یک آزمایش فکری بیان کرد. فرض کنید که شما این حق را دارید که از میان یک زندگی کامل انسانی و زندگی یک صدف تقریباً بدون درک که لذت سطح پایینی را تجربه می‌کند، یکی را انتخاب کنید. فرض کنید که طول عمر صدف هر آن اندازه‌ای باشد که دلخواه شماست، در حالی که طول عمر انسان فقط هشتاد سال خواهد بود. اگر حق با بنتم بود، باید طول زندگی صدف به گونه‌ای باشد که شما آن را بر انسان ترجیح دهید. با این حال، بسیاری می‌گویند که زندگی انسان را به زندگی صدف با هر طول عمری ترجیح می‌دهند.

در حال حاضر، این یک استدلال تمام‌کننده علیه لذت‌انگاری ساده نیست. در واقع، برخی از مردم حاضرند بپذیرند که زندگی صدف با طول عمر بیشتر یا شرایطی دیگر مرجح باشد. اما جایگزینی برای لذت‌انگاری ساده وجود دارد که به شکل ماهرانه‌ای از جانب جی.اس. میل بیان شده است (که خود متأثر از بحث افلاطون در باب لذت در پایان کتاب جمهور (Plato, 1992 [C4 BCE], 582d-583a) است). میل این نظریه را با استفاده از تمایز میان لذت‌های «برتر» و «فروتر» بیان کرده است (2 [1998], ch. 2). او ویژگی‌های سوم را به دو عامل تعیین‌کننده ارزش از منظر بنتم، یعنی مدت و شدت، اضافه کرد. میل برای تمایز این ویژگی از آن دو ویژگی «کمی»، آن را «کیفیت» نامید. ادعا آن بود که برخی از لذت‌ها، بنا به طبیعتشان، با ارزش‌تر از بقیه هستند. برای مثال، لذت خواندن شکسپیر، بنا به طبیعتش، از هر مقدار لذت ابتدایی حیوانی با ارزش‌تر است. میل می‌گوید ما می‌توانیم قضیه را با

1. philosophy of swine

توجه به این نکته دریا بیم که کسانی که هر دو نوع لذت را تجربه کرده‌اند و «قاضیان باصلاحیتی» هم هستند، تصمیم‌های خود را بر این مبنا می‌گیرند. نقدی دیرینه در اینجا به میل وارد می‌شود و مدعی آن است که دیگر نمی‌توان موضع وی را به درستی تحت عنوان یک لذت‌انگار (یا آنچه من «لذت‌انگاری تبیین‌گر» خوانده‌ام) قرار داد. اگر لذت‌های برتر به دلیل طبیعتشان برتر هستند، آنگاه آن جنبه از طبیعت آن‌ها نمی‌تواند لذت بخشی باشد، زیرا این امر تنها با مدت و شدت تعیین می‌شود و میل همیشه در مورد ویژگی‌هایی همچون «نجابت»^۱ نیز صحبت می‌کند که به ارزش لذت می‌افزایند. حال باید اعتراف کرد که میل با این کار به دردسر می‌افتد. اما فضایی منطقی برای یک موضع لذت‌انگارانه وجود دارد که اجازه می‌دهد ویژگی‌هایی همچون نجابت خوشایندی را تعیین بخشند و در این فضا تأکید می‌شود که تنها خوشایندی است که ارزش را تعیین می‌کند. اما شاید باعث تعجب شود که چگونه نجابت می‌تواند بر خوشایندی و لذت بخشی تأثیر بگذارد و چرا میل این ایده را آشکار نکرد که نجابت خود یک ویژگی تولیدکننده خوبی است.

اما هنوز نقد سنگین‌تری نسبت به هر نوع لذت‌انگاری وجود دارد که «ماشین تجربه» خوانده می‌شود. تصور کنید که من یک دستگاه دارم که می‌توانم شما را تا آخر عمرتان به آن متصل کنم. این دستگاه تجربیاتی از هر نوع که فکر می‌کنید با ارزش‌ترین یا لذت بخش‌ترین است را برای شما فراهم می‌آورد — نوشتن یک رمان عالی، به ارمغان آوردن صلح جهانی، حضور در کنسرت رولینگ استونز.^۲ شما نخواهید دانست که در این دستگاه هستید و هیچ نگرانی‌ای در مورد خرابی آن یا هرچیز دیگری ندارید. آیا حاضرید به آن

1 nobility

2. Rolling Stones